



ما آنجا
به نقطه ای
رسیده بودیم
که پول بخری
که برویم تا اهواز
نداشتیم پول
ساده ترین چیزها،
همه چیز را فروختیم
همه مان همه چیز را
فروختیم
یعنی دیگر
فقط آگبی
ندادیم قریه ای
چشم، کلیه فلان
این جوری
در این حد بود

چاه ۷ هزار متر کابل الان این تکه اش اینجا، پس این شد تکنولوژی جدید ما این شد لبه تکنولوژی.

رافرستادیم ۶۰۰ متر بوده حالا من باید چی کار می کردم، باید دو تکه اش می کردم این تکنولوژی را، می گفتم این تکه اش سر

حالا که به لبه تکنولوژی رسیدید، در ادامه کارها به خوبی پیش رفت دیگر

نفت تغییر کرد به قول خودشان حکومت عوض شد و این حکومت عوض شدن، زندگی ما را نابود کرد نابود! نابود، یکی می بینی زندگی اش نابود می شود حالا نشد، ما نه، ضمانت نامه هایمان را گذاشتند اجراء تمام. ۹۸-۹۹ ما فقط درگیر دادگاه بازی در مناطق بودیم، آقا تور و قرآن فسخ مان نکنید بلک- لیست مان نکنید تو نمی خواهی بگذار بروم یک جای دیگر کار کنم دمت گرم تورو سلامت تو درست می گویی هر چی می گویی. به این جا رسیدیم که بهش گفتم تو، گفت نه یک بند در یک نیم خط در قرارداد ما است که هرگونه تستی که کار فرما بخواهد پیمانکار موظف است انجام بدهد با هزینه خودش انجام بدهد گفت شما برای من یک تست انجام بده که من اطمینان صد درصدی پیدا کنم که ابزار اگر رفت داخل چاه کار می کند، تنها راهش این است که من بروم یک چاه نفت برای خودم بزنم تستش بکنم؛ تنها راهش همین است، نتوانستیم اینها را امتقا عا کنیم واقعا نتوانستیم متقا عا دشان کنیم.

اصلاً، به شرکت گفتیم ما تکنولوژی مان آماده است بیا کابل و... به ما بده برویم در چاه، اول گیر کابل و فلان و بیسار، هیچ شرکتی حاضر نبود با ما همکاری بکند، در سال تقریباً ۹۶ آن موقع مدیر عامل وقت یک نامه درخواست زدی به وزیر که آقا من نمی توانم، ما گفتیم کابل و این چیزها خودمان بیاوریم چه؟ خودمان برویم با یک شرکتی صحبت بکنیم رنت کنیم، اجاره کنیم، برداریم بیاوریم، فقط ما این همه سال دویدیم دنبالش، من ۸۸ پروژه فارغ التحصیلی ام بوده الان ۹۸ است! گفت آقا شرمنده شما اصلاً سرویس کمپانی نیستید شما این مجوز را ندارید که ما بخواهیم به شما چاه تحویل دهیم. آن زمان مدیر عامل وقت گفت که یک مجوز سرویس کمپانی را امضا کردم فرستادند برای ما، اصلاً مجوز آمد که چاه به اینها تحویل بدهید، گفت این هم بیاید جزو و ندور با این هم قرارداد ببندید، عیب ندارد اگر واقعا این اتفاق قرار است بیفتد. خلاصه گذشت و سال ۹۸ یکبار مدیر

خب چه کردید؟ متوقف شدید یا راه حلی پیدا کردید؟

بود در شرکت نفت و گاز اروندان و پست بالاتر گرفته بود، رفتیم بهش گفتم نگاه کن چه بلائی سر ما آوردند، گفت درد کجاست؟ گفتم چاه به

یک روز در اوج ناراحتی بلند شدم رفتم پیش کسی که مدیر بود آنجا و به من می گفت پله- پله دست ما را گرفته بود آورده بود بالا الان رفته

